

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفولانزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه‌رو کند.

تولیدی



لیندا هستم کارشناس ارشد فلسفه

فردا تولد لیندا کیانی است. او ۵۹ ساله و در چین روزی و در آبادان به دنیا آمده. کیانی یک خواهر و ۴ برادر دارد. جالب است بدانید که او دوره کارشناسی ارشد فلسفه خود را در دانشگاه مفید گذرانده. اگر کارهای این بازیگر را دنبال می‌کنید، باید بگوییم که او این روزها در فصل دوم سریال دلدادگان ایفای نقش می‌کند. کیانی چند روز پیش با انتشار عکسی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «به مدت ۱۵ شب با سریال دلدادگان مهمون خونه‌هاتون هستیم تا شاید برای دقایقی در قلبتون بشینیم و از فکر و فشار زندگی‌اندکی دورتون کنیم.»

ساز و آواز

یک آلبوم دوستاره

در روزهایی که ماجرای شکایت محمدرضا شجریان از صداوسیما وارد فاز جدیدی شد، فرزند این خواننده «ایران من» را به آهنگسازی سهراب پورناظری منتشر کرد. «ایران من»، «آواز بی‌پایان»، «خوب شد»، «قلاب»، «هرگ اسفندیار»، «هر بهار» و «سلفند، نوروز خوانی و نوروز» از جمله قطعاتی‌اند که در این آلبوم به خوانندگی همایون شجریان و همخوانی اشکان کمانگری، مهرداد ناصحی، آیین مشکاتیان جای گرفته است.

در این اثر از اشعار شاعرانی چون فردوسی، سعدی شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد، اسحاق انور، پوریا سسوری و اهورا ایمان بهره گرفته شده است. در «ایران من» دل‌نیارام به‌عنوان خواننده سوپراون حضور دارد. تهمورس پورناظری نوازنده تار، آزاد میرزاپور نوازنده عود، حسین رضایی نوازنده دف، مهیار طریخی نوازنده سنتور و بیم سنتور، آیین مشکاتیان نوازنده تمبک، کوزه، کاخن و ضرب زورخانه، آرشاک ساهاکیان نوازنده دودوک و کلارینت، آنا اشتیاقی نوازنده ویولن سل، پیام جوانی نوازنده تنه تار، سهراب پورناظری نوازنده کمانچه، سه‌تار و دیوان گروه نوازندگان سازهای ایرانی تشکیل می‌دهند.

یکی از حواشی البته، قسنگ انتشار این آلبوم پستی بود که وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات منتشر کرد. محمدجواد آذری جهرمی درباره آلبوم «ایران من» همایون شجریان و سهراب پورناظری در توئیتر نوشت: «دوستی، لبتکی از اثر فاخر آقای همایون شجریان با نام «ایران من» برایم فرستاد. شایسته نیست کسی که با همه هنر و وجود اثری ماندگار برای ایران خواننده این گونه مورد بی‌مهری توزیع غیرمجاز محصول قرار گیرد. گوش دادم اما همان زمان یک نسخه آنلاین خریداری کردم تا این کار حمایت کرده باشم.»



قاب

نمایشگاه نقاشی قهوه‌خانه‌ای ایران

نمایشگاه آثار جواد عقیلی آخرین نسل از نسل طلایی نقاشان قهوه‌خانه‌ای با عنوان «مروری بر نقاشی قهوه‌خانه‌ای ایران» در گالری فردا به نشانی خیابان کریمخان زند، خیابان حسینی، کوچه اعرابی ۶، پلاک ۲، طبقه دوم افتتاح شده و تا ۲۸ شهریور ادامه دارد. مدیر گالری فردا در این مورد گفت: ما به مناسبت ماه محرم و پیوند ناگسستنی نقاشی قهوه‌خانه‌ای با عاشورا تصمیم گرفتیم نمایشگاه «مروری بر نقاشی قهوه‌خانه‌ای ایران» را در این گالری برپا کنیم؛ آثاری که در این نمایشگاه به نمایش درآمده است همه مذهبی نیست ولی اغلب آثار مذهبی است. مجید احمدی با بیان اینکه جواد عقیلی آخرین بازمانده نسل طلایی نقاشان قهوه‌خانه‌ای است، ادامه داد: اغلب آثار این نمایشگاه جزو مجموعه شخصی مهندس عقیلی و با انتخاب او است، البته در نمایش آثار سعی کردیم تازگی نمایشگاه حفظ شود. برخی از کارها اصلاً دیده نشده است. او معتقد است: آسیمی جدی که در حوزه نقاشی قهوه‌خانه‌ای وجود دارد این است که تعداد زیادی کارهای غیراصیل وجود دارد. من بارها آثار قهوه‌خانه‌ای را به نمایش درآوردم، اما استقبالی نشد. دلیل عدم استقبال هم حجم بالای کارهای غیراصیل در بازار است. از ۲۰ تا ۳۰ کاری که به اسم حسین قولری آغاسی فروخته‌اند یک یادو کار واقعی است. در گذشته ۷۰ درصد نقاشی‌هایی که در خیابان منوچهری به‌تور بیست‌ها فروخته می‌شد، نقاشی قهوه‌خانه‌ای و مینیاتور بود. این قدر کار غیر اصیل توسط سودجوها فروخته شد که رغبت بازار هم به‌این آثار کم شده است.



آقای دکتر معینی پور با سیاست‌های خود یک تحول جدی در شبکه چهار را پیگیری می‌کند که آینده‌ای روشن را نویدمی‌دهد.

«شوکران» دنبال قضاوت است؟ تا چه میزان سعی می‌کند این قضاوت بی‌طرفانه باشد؟

شوکران بیشتر دنبال انصاف است تا قضاوت. البته این ادعا را اندرادر در کاری که انجام می‌دهد، حتماً منصف است، به‌هر حال آزمون و خطا وجود دارد. این راهی است که تازه آغاز شده و این تیپ برنامه‌ها در شبکه‌های معروف دنیا در طول شاید ۱۰۰ تا ۲۰۰ قسمت‌اند و بعد از آن قضاوت می‌شوند. اگر بخواهیم شوکران را در افق بلندتری نگاه کنیم، طفل نوپایی است که باید کمکش کرد تا بتواند بهتر راه برود، عیب و نقص‌های خود را برطرف و زبان خود را پیدا کند. ما همچنان در حال یادگیری و تجربه کردن هستیم.

بعضا می‌بینیم که هم‌زمان دو صفحه در شبکه‌های اجتماعی که متعلق به دو جریان است، برنامه را تبلیغ می‌کنند، شما دلیل این ماجرا را چه می‌دانید؟

شاید دلیلش این باشد که این برنامه سعی کرده از تشنه‌های موجود به شکل فزاینده‌ای فاصله بگیرد. همه هدف شوکران این است که با مخاطبان با پیش‌فرض‌های کمتر و صادقانه‌تری روبه‌رو شود و سوزهای متنوع‌تری هم انتخاب کند.

ممکن است برخی نسبت به «حوزه هنری» یا «پیام فضلی‌نژاد» ملاحظاتی داشته باشند، به نظر شما این افراد هم می‌توانند مخاطب شوکران باشند؟

اتفاقاً طیف وسیعی از مخاطبان شوکران همین افرادند، باید شوکران بتواند این دیالوگ و تعامل را بین مشرب‌های مختلف فکری برقرار کند. اگر سازندگان برنامه اعم از حوزه هنری، صداوسیما یا سردبیر آن مشرب فکری‌ای دارند، باید آن قدر انعطاف داشته باشند که هم مقابل دیگر افکار قرار بگیرند و هم خودش‌شان را در مقابل مخاطبان منتقد قرار دهند. به‌هر حال ما باید بتوانیم با هم گفت‌وگو کنیم، با هر دیدگاهی که داریم، ما در برنامه این را تمرین می‌کنیم، البته شاید هم در این راه خطا کنیم که این خطاها را هم می‌پذیریم.

می‌خواهد پایانی باشد بر این غفلت، چه در راه رسیدن به این هدف موفق شود یا نشود.

میهمان‌ها چطور انتخاب می‌شوند؟ آنها برای حضور در برنامه درخواست با منتظاری دارند؟

تاکنون میهمانی را نداشتیم که حتماً حضورش در برنامه را موکول به درخواستی کرده باشد. میهمان‌ها براساس ساختار و تیمی که تهیه‌کننده و سردبیر در حوزه پژوهش، سوزهایابی و بررسی‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی ایجاد کرده‌اند، به آنها مشورت می‌دهند و در این مشورت‌ها انبوهی از گزینه‌ها مطرح می‌شود و در نهایت براساس مقتضیات موجود میهمان انتخاب می‌شود، البته همراهی‌ها و مشورت‌های حوزه هنری و تلویزیون نیز تعیین‌کننده است. گاهی هم پیش می‌آید که برخی گزینه‌ها با در ایران نیستند یا کسالت دارند و نمی‌توانند به استودیو بیایند. یکی از مسائل مهم در انتخاب میهمان این است که شرایط به استودیو آممن را داشته باشد، زیرا اما امکان این را چه از لحاظ فنی و چه مالی نداریم که خارج از فضای استودیو گفت‌وگو را ضبط کنیم. اگر این امکان را داشتیم، انتخاب‌های بیشتری بود. متفاوت نبود، بیشتر بود. پنج مورد را به‌طور مشخص در این برنامه داشتیم که دو مورد آنها خانم بودند، مثل خانم بدرالزمان قریب که به دلیل کهنوت سن نتوانستند به استودیو بیایند.

آدم‌هایی که شما با آنها گفت‌وگو می‌کنید با معمولاً آن به مصاحبه نمی‌دهند یا اگر هم بدهند به سیمای جمهوری اسلامی نمی‌آیند، شما چگونه آنها را مجاب می‌کنید؟

به سختی برای مجاب کردن میهمان‌ها تلاش بسیار زیادی می‌شود تا بتوان یک روند درستی را در مجموع این گفت‌وگوها طی کرد. هر کدام از این میهمان‌ها نیز باید بتوانند حداقل به بخشی از نیاز مخاطب پاسخ دهند. میهمان‌های شوکران در حوزه‌ها و ژانرهای مختلفی‌اند، از هنر گرفته تا تاریخ و سیاست و... یک تیم ۱۲ نفره مشغول ساماندهی همین امورند. ما می‌توانستیم حتی در شوکران تا ۴۰ قسمت پیش برویم و این ظرفیت را گسترش دهیم. ما میهمان‌های زیادی هم صحبت کردیم و قبول دعوت

مجموعه‌ای از عوامل دست‌به‌دست‌هم داده تا «شوکران» بتواند به حوزه‌هایی که تا به حال تلویزیون به آنها نزدیک نشده بود، نزدیک شود. شوکران این شانس را داشت که هم از تهیه‌کننده باتدبیری مثل آقای علی قربانی که سال‌ها تجربه کارهنری و مدیریتی دارد، برخوردار باشد و هم از شبکه‌ای بخش شود که مدیر آن با سال‌ها تجربه کار علمی و اجرایی در حوزه‌های مختلف، انکیزه و قدرت خط‌شکنی را دارد.

مشاور سر دبیر برنامه «شوکران» در گفت‌وگو با «شهروند»:

«شوکران» دنبال انصاف است نه قضاوت

بخش خود را با داود هرمیداس یاوند (سخنگوی جبهه ملی ایران) شروع کرد و به ایران درویدی رسید؛ نقاش محترمی که برای بار نخست پس از انقلاب در تلویزیون حاضر شد. شعار «شوکران» گفت‌وگو با متفکران ایران امروز است. در این برنامه شخصیت‌های تراز اول فکری و فرهنگی حضور پیدا می‌کنند و درباره داغ‌ترین مباحثات عرصه اندیشه، فرهنگ و سیاست به بحث می‌پردازند. «شوکران» به سر‌دبیری و اجرای پیام فضلی‌نژاد و تهیه‌کنندگی علی قربانی محصول مشترک حوزه هنری و شبکه چهار سیماست. این برنامه تلویزیونی ساعت ۲۱ روزهای دوشنبه هر هفته از شبکه چهار سیما پخش می‌شود و باز پخش آن هم در روزهای سه‌شنبه ساعت ۱۰، جمعه ساعت ۱۴ و شنبه ساعت ۱۹ است. حضور چهره‌های جدید در تلویزیون و گفت‌وگوهای داغ و چالشی، «شوکران» را به برنامه‌ای متفاوت تبدیل کرده که طیف‌های مختلفی را وادار به نشست‌های تلویزیونی می‌کند. حالا «مریم هوشمند» مشاور سردبیر «شوکران» با «شهروند» هم‌راه شده و به پرسش‌های ما پاسخ داد:

ایده «شوکران» از کجا آمد؟ شما قبلاً مجله «عصر اندیشه» را منتشر می‌کردید می‌توانیم «شوکران» را ادامه راه «عصر اندیشه» بدانیم؟

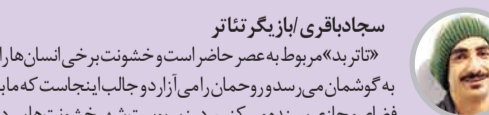
بله، فرض درستی است. عصر اندیشه و شوکران در امتداد یکدیگرند و هر دو نشانی از یک تکاپوی فکری است که در طول پنج‌سال گذشته انجام شده، با همان هدفی که سردبیر برنامه در یک مصاحبه مفصل با خبرگزاری فارس تحت عنوان «فرم و نوگرایی چرا و چگونه» مطرح کرده معتقد است: «اگر ما به آزاداندیشی ابتدای انقلاب یعنی از سال ۵۷ تا ۵۹ برنگردیم، شاید ناگزیر جبر تاریخ ما را به پیش از آن بازگرداند. این نوگرایی ناشی از یک از زیای جامع از شرایط فکری، فرهنگی و سیاسی کشور و بررسی سرچشمه‌های اصیل انقلاب است که این سرچشمه‌ها ناظر بر گفت‌وگو و مناظره و مباحثه با مشرب‌های مختلف فکری است که گمان می‌رود از این اصالت‌های اولیه غفلت شده است.» حالا شوکران

پیشنهاد دو نفر از خانواده تئاتر به مخاطبان «شهروند»:

«راندوو» و «تاتر بد» را از دست ندهید

بسیاری از نمایش‌ها دو سه روز بیشتر روی صحنه نیستند. برای همین سراغ دو نفر از فعالان حوزه تئاتر رتیم تا از پیشنهادشان مطلع شویم. پویا سعیدی و سجاد باقری هر کدام تئاتری را معرفی کرده‌ و از دلایلی گفته‌اند که شما را مجاب به دیدن نمایش می‌کند. پویا سعیدی (نویسنده و کارگردان تئاتر) امسال با «لانچر ۵» بسیاری از جوایز بیست‌و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی را دریافت کرد؛ تندیس بهترین نمایشنامه، بهترین بازیگر مرد و نمایش برگزیده جشنواره. سجاد باقری هم از بازیگران پرکاری است که در نمایش‌هایی مثل رویای یک شب نیمه تابستان، ولین، رومولیت، پروانه‌های غمگین من، فریدون فرامانی فراهانی، داستان زمستان، و یکبار دوم و... حضور داشته. آن چه در ادامه می‌آید، سفارش‌های این دو نفر است:

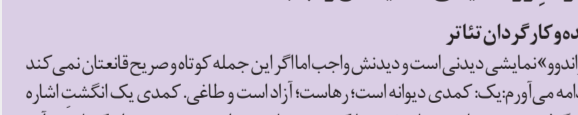
تاتر بد؛ فستیوال جذاب خشونت



سجاد باقری بازیگر تئاتر «تاتر بد» مربوط به عصر حاضر است و خشونت برخی انسان‌ها را به تصویر می‌کشد که ماهر روز خبرهایی از این دست به گوشمان می‌رسد و روحمان را می‌آزارد و جالب اینجاست که ما برای این خشونت علیه‌همونوعان به یک واکنش در فضای مجازی بسنده می‌کنیم. در زیر پوست شهر خشونت‌هایی در جریان است که افراد آنقدر با وسواس این خشونت‌ها را انجام می‌دهند که گاهی چندین سال می‌گذرد و ما تازه خبردار می‌شویم که این اتفاق رخ داده است. روانشناسان معتقدند ریشه این خشونت‌های سادیسمی از کودکی سرچشمه می‌گیرد. در «تاتر بد» نیز همینطور است. البته کمیدی ظریفی همراه با داستان وجود دارد که کمی از تلخی خشونت‌ها را برای تماشاگر تسکین می‌دهد و به نظر من یکی از ویژگی‌های این نمایش این است که حجم بالای خشونت می‌تواند برای مخاطب تئاتر که به صورت زنده صحنه‌ها را می‌بیند قابل تحمل شود، اگر هوشمندی کارگردان در سطح بالایی باشد که خوبی از پیشش بر آمده و با فاصله‌گذاری‌های درست خشونت‌آبرای مخاطب قابل تحمل می‌کند. او به شامی گوید «صبر کن و ببین و فکر کن.» در این نمایش اتفاق شگفت‌آور ویدیو آر تی است که هم‌زمان با اجرا، روی پرده پشت سر بازیگران نمایش داده می‌شود و خود به نحوی یک اجرای کامل است.

در «تاتر بد» شما طراحی صحنه غول‌پیکری نمی‌بینید، اما اعجاب‌آور اینجاست که در بدو ورود به سالن محو طراحی صحنه خواهید شد. کف سالن پر از خونا به است که از ورود بقیه شما را می‌گیرد و در گیرتان می‌کند و شاید ترسی را در شما به صورت ناخودآگاه بریزد می‌کند که «این یک نمایش معمولی نیست خودت رو آماده کن.» برای بازیگران لباس‌هایی چریکی طراحی شده که شما بعد از بازنده دقیقه‌را تباطش را با داستان خشونت‌آمیز متن‌موجه می‌شوید. بازیگری در چنین کاری از خود گذشتگی می‌خواهد؛ به بازیگران این کار تریکم می‌گویم چون واقعا بازی در این نمایش بسیار نفسگیر است و تمرکز بالایی لازم دارد. در نهایت پیشنهاد می‌کنم که دیدن این تئاتر را که روزهای پایانی خود را می‌گذراند از دست ندهید. دیدن چنین نمایشی را پیشنهاد می‌کنم چون ما را به فکر کردن و می‌دارد که چه می‌شود که خشونت را در همه جای جامعه می‌بینیم و بی‌تفاوت از کنار آن می‌گذریم. ما شاید به‌سرشدگی در مقابل خشونت دچار شده‌ایم!

راندوو؛ نمایشی که دیدنش واجب است



پویا سعیدی نویسنده و کارگردان تئاتر همین اول بگویم که «راندوو» نمایشی دیدنی است و دیدنش واجب‌اگر این جمله کوتاه‌ و صریح قانع‌تان نمی‌کند چهار دلیل مفصل‌تر در ادامه می‌آورم: یک: کمدی دیوانه است؛ هاست؛ آزاد است و طاقی. کمدی یک انگشت اشاره تیزبین و ریزبین است، نشانه گرفته به سمت پلشتی‌ها و زشتی‌ها. کمدی بسیار جدی است و به هیچ‌عنوان کوتاه‌نمی‌آید از اصولش. کمدی زند است و اهل بازی. کمدی بال است و پرواز. و «راندوو» یک کمدی درست و حسابی است. همان قدر دیوانه و آزاد و تیز و جدی و رند و ها، دو: «راندوو» با پیش‌فرض‌های بازی می‌کند. از سالن که بیرون بروید لاقلاً تا دقایقی که هنوز مفتون و آفسون شده نمایش‌اید، دیگر آن آدم سابق نیستید چون «راندوو» تمرین جور دیگر دیدن بعضی مسأله‌هاست. دو صحنه دارد و دو کاراکتر در هر صحنه و یک نفر در هر کاراکتر. «راندوو» جهانی مجسم می‌کند. مشکل از نگرش‌های متفاوت و آنها را می‌اندازد به جان هم و خودش دورتر می‌ایستد به تماشا و این کشمکش بسیار خوب از کار درآمده، خودش راه خودش را پیدا می‌کند. سه: «راندوو» بازی‌های خوبی دارد. فاطیما بهارمستی که از بازی‌های قبلی‌اش جدا شده و تن به تجربه‌ای داده: حرکت در مرز بازیک‌تیب شدن و نشدن و نشده و خیره‌کننده است. علی نورانی‌ای که به درستی کم از خودش فاصله گرفته و ویژگی‌های شخصی‌اش را به تماشایی‌ترین شکل به نمایش گذشته؛ شهاب‌مهرانی که به خوبی از پس بده‌بستان‌ها و سختی‌شان برآمده اما آبان حسین آبادی‌ای که می‌توانم بگویم یکی از بهترین بازی‌های این چند ساله را به نمایش گذاشته. بهترین بازی نمایش را کرده و نوشتن از جزئیات بازی‌اش بی‌شک نوشته‌ای مستقل می‌طلبد. لحنی ساختگی اما شدیدا در دست درآمده، پنهان کردن استادانه خشم و حفظ رکورد لبخند و ظرافت در ایست‌ها و اکت‌ها. چهار: هر کس که منتظرش را بشناسد و با او کار کرده باشد می‌داند که یک نویسنده درون دارد و همیشه طوری دیالوگ‌هایش را تغییر می‌دهد که بهتر از اصلش نوشته‌شده و ظهور آن نویسنده نابعه درون و خید منتظر است. نویسنده‌ای که خوب دیالوگ‌می‌نویسد، قصه را خوب می‌شناسد و کاراکتر خوب می‌سازد. «راندوو» مکتب‌بر بازی‌ها و لحظه‌هاست و منتظر به خوبی بازی گرفته و در کارگردانی با هوشمندی تمام در پای خودش را پاک کرده تا به بازی‌ها و لحظه‌ها و مکت‌ها و جمله‌ها جان ببخشد. از این رو، او آه‌آهانه تخر خود را مخفی کرده تبحر او همین کارگردانی پنهان است. تکرار می‌کنم: راندوو نمایشی دیدنی است و دیدنش واجب‌امشرف و دانش‌ساعت ۸، مولوی.